

ما سالگرد تأسیس اسراییل را جشن نمی گیریم

برجسته ترین چهره های یهودی دانشگاهی، فرهنگی، هنری، و
سیاسی انگلستان

برگردان: محمد علی اصفهانی

در شصتمین سالگرد رسمیت بخشیدن به غصب سرزمین
فلسطین، و حلال کردن جان و مال و خون انسان فلسطینی بر
«نژاد برتر» و «قوم برگزیده»، یهودیانی آزاده، بار دیگر سکوت را در
هم شکستند تا بر این حقیقت روشن گواهی دهند که میان
انسان تا انسان، فاصله، نه قوم و تبار و مذهب و مسلک و مرام و
نژاد، که تنها انسان است و بس.
و این بار، از انگلستان.

بیش از صد تن از برجسته ترین چهره های دانشگاهی و فرهنگی
و هنری و سیاسی یهودی انگلیسی در نامه یی به روزنامه ی
گاردین، اعلام کرده اند که نمی خواهند و نمی توانند بر اجساد
نیمه جان فلسطینیان، بر خانه های ویران شده، بر سفره های
تهی مانده از نان، بر نعش های برهم انباشته ی مرد و زن و پیر و
جوان، و برگلبرگ های پرپر شده و فرو ریخته ی جان کودکان
شیرخواره ی فلسطینی از دامان مادرانشان بر خاک، پای بکوبند
و دست بیافشانند.

ترجمه ی متن این نامه را همراه با نام ها، و نیز با توضیحاتی که
به نظرم لازم می آمد در زیر آورده ام.

۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۷

۹ مه ۲۰۰۸

در این ماه مه، سازمان های متعدد یهودی، شصتمین سالگرد تأسیس دولت اسرائیل را جشن می گیرند. و این، در صورتی که صدها سال زجر و آزار یهودیان را که در اوج خود به هولوکاست انجامید به خاطر داشته باشیم قابل درک است. اما، ما یهودیانی هستیم که در این جشن شرکت نخواهیم کرد. زمان آن فرا رسیده است که روایت دیگر را نیز بدانیم. روایت تقاصی که از مردمی دیگر در آن سوی جهان، به جرم یهود ستیزی اروپا، و نسل کشی هیتلر در این سوی جهان، گرفته شده است.

همچنان که ادوارد سعید می گفت، آنچه هولوکاست با یهودیان کرد، اشغال فلسطین به وسیله ی یهودیان، بر مردم فلسطین روا داشت.

در سال ۱۹۴۸، در ماه آوریل، همان ماهی که در آن، کشتار دیر یاسین اتفاق افتاد (۱) و همان ماهی که شهروندان عادی فلسطین، در بازار حیفا مورد آن حمله ی معروفی پر از تلفات قرار گرفتند، اجرای طرح «دالت» (۲) آغاز شد. این طرح، طرح ویران کردن قریه های فلسطینی و بیرون انداختن ساکنان اصلی آن ها بود. ما این را جشن نمی گیریم.

در ژوئیه ی ۱۹۴۸، در دل گرمای سوزان تابستان، هفتاد هزار فلسطینی را از رام الله و اللد بدون آب و بدون غذا به بیابان پرتاب کردند. و در میان راه، صدها تن از این فلسطینیان جان باختند. این به عنوان «راه پیمایی مرگ» شناخته شده است. (۳) ما این را جشن نمی گیریم.

[در همان آغاز کار] هفتصد و پنجاه هزار فلسطینی آواره شدند و چهارصد قریه ی فلسطینی از نقشه ی جهان زدوده و محو شد. و این، هنوز پایان پاک سازی قومی و نسل کشی نبود و نیست. هزاران فلسطینی، در حالی که شهروند اسراییل بودند، در سال ۱۹۵۶ از «الجلیل» اخراج شدند.

و هزار ها فلسطینی دیگر نیز، به هنگامی که اسراییل نوار غزه و کرانه ی رود اردن را اشغال کرد، به سرنوشتی اینچنین گرفتار آمدند.

بر مبنای قوانین بین المللی و همچنین بر مبنای قطعنامه ی ۱۹۴ سازمان ملل متحد، پناهندگان از حق بازگشت به سرزمین خود و یا دریافت غرامت برخوردارند. [در حالی که اسراییل این حق طبیعی و مسلّم پناهندگان فلسطینی را حتّی به صورت ظاهری و شفاهی و واهی هم که باشد به رسمیت نشناخته است؛ و بلکه بر عکس، رسماً و کتباً مردودش دانسته است - م] ما این را جشن نمی گیریم.

ما نمی خواهیم این را جشن بگیریم. ما نمی خواهیم تولد دولتی را خجسته بداریم که با تروریسم، با کشتار دسته جمعی، و با دزدی زمین مردم بنا شده است.

ما نمی توانیم تولد دولتی را جشن بگیریم که بر پاکسازی قومی و نسل کشی، اصرار می ورزد. که به قوانین بین المللی تجاوز می کند. که بر مردم عادی غزه تنبیه دسته جمعی شنیع و مهیب و هولناکی را تحمیل می کند. که فلسطینیان را از حقوق انسانی آن ها و از آرزو ها و آمال ملیّشان محروم می سازد.

ما آن هنگام، جشن خواهیم گرفت که عرب و یهودی، در

خاورمیانه پی سرشار از صلح و مسالمت، با حقوقی مساوی و
همسان، با هم و در کنار هم زندگی خواهند کرد.
[توضیحات، در پایین صفحه، بعد از نام ها آمده است.]

Seymour Alexander
Ruth Appleton
Steve Arloff
Rica Bird
Jo Bird
Cllr Jonathan Bloch
Ilse Boas
Prof. Haim Bresheeth
Tanya Bronstein
Sheila Colman
Ruth Clark
Sylvia Cohen
Judith Cravitz
Mike Cushman
Angela Dale
Ivor Dembina
Dr. Linda Edmondson
Nancy Elan
Liz Elkind
Pia Feig
Colin Fine
Deborah Fink
Sylvia Finzi

Brian Fisher MBE
Frank Fisher
Bella Freud
Catherine Fried
Uri Fruchtman
Stephen Fry
David Garfinkel
Carolyn Gelenter
Claire Glasman
Tony Greenstein
Heinz Grunewald
Michael Halpern
Abe Hayeem
Rosamine Hayeem
Anna Hellman
Amy Hordes
Joan Horrocks
Deborah Hyams
Selma James
Riva Joffe
Yael Oren Kahn
Michael Kalmanovitz
Paul Kaufman
Prof. Adah Kay
Yehudit Keshet
Prof. Eleonore Kofman
Rene Kraye

Stevie Krayner
Berry Kreel
Leah Levane
Les Levidow
Peter Levin
Louis Levy
Ros Levy
Prof. Yosefa Loshitzky
Catherine Lyons
Deborah Maccoby
Daniel Machover
Prof. Emeritus Moshe Machover
Miriam Margolyes OBE
Mike Marqusee
Laura Miller
Simon Natas
Hilda Meers
Martine Miel
Laura Miller
Arthur Neslen
Diana Neslen
Orna Neumann
Harold Pinter
Roland Rance
Frances Rivkin
Sheila Robin
Dr. Brian Robinson

Neil Rogall
Prof. Steven Rose
Mike Rosen
Prof. Jonathan Rosenhead
Leon Rosselson
Michael Sackin
Sabby Sagall
Ian Saville
Alexei Sayle
Anna Schuman
Sidney Schuman
Monika Schwartz
Amanda Sebestyen
Sam Semoff
Linda Shampan
Sybil Shine
Prof. Frances Stewart
Inbar Tamari
Ruth Tenne
Martin Toch
Tirza Waisel
Stanley Walinets
Martin White
Ruth Williams
Naomi Wimborne-Idrissi
Devra Wiseman
Gerry Wolff

Sherry Yanowitz

توضیحات:

عنوان و لینک نامه:

We're not celebrating Israel's anniversary

www.guardian.co.uk/world/2008/apr/30/israelandthepalestinians

۱ - «دیر یاسین»، قریه ی کوچکی در فلسطین بود. با جمعیتی در حدو ۱۲۰۰ نفر. در نهم آوریل ۱۹۴۸ دو گروه تروریستی اسرائیلی که رهبر یکی از آن ها مناخیم بگین نخست وزیر بعدتر اسرائیل بود؛ و رهبر آن دیگری، اسحاق شمیر، باز هم چون آن یکی، نخست وزیر بعدتر اسرائیل، قرار گرفت. این دو گروه تروریستی، به رهبری دو نخست وزیر آینده ی اسرائیل، دست به قتل عام تمامی مردم این قریه ی کوچک و فقیر زدند؛ و بنا به نوشته ی مطبوعات همان زمان، موفق شدند که ۲۵۴ نفر از آن ها را به قتل برسانند، و مابقی را وحشتزد، زخمی، و لت و پار شده فراری دهند. البته بعد تر، جایزه ی صلح نوبل نیز به رهبر یکی از آن دو گروه - مناخیم بگین - تقدیم شد! ماه آوریل، همچنین یادآور قتل عام سهمگین مردم شهر کوچک قانا در جنوب لبنان، به وسیله ی یک نخست وزیر دیگر اسرائیلی - و باز هم برنده ی جایزه ی صلح نوبل - یعنی شیمون پرز است در سال ۱۹۹۶.

همان قتل عامی که نزار قبانی، در منظومه ی بلند خود «چهره ی قانا» آن را ترسیم می کند:

پریده رنگ، همچون سیمای عیسی
و هوای دریا در ماه آوریل...

باران های خون و اشک...

... بر روی اجسادما

وارد قانا شدند

و پرچم نازیان را

بر فراز سرزمین جنوب بر افراشتند

و ایام آدمسوزی را باز گردانیدند...

... گندمزاران را

و درختان زیتون را

و بوته های تنباکو را

در هم کوبیدند.

و آوای بلبلان را.

کادموس را

در مرکبش در هم کوبیدند

دریا را درهم کوبیدند

و افواج مرغان دریایی را.

حتّی بیمارستان ها را هم در هم کوبیدند

حتّی مادران شیرده را

و کودکان مدرسه پی را.

زیبایی زنان جنوبی را در هم کوبیدند

و باغستان های چشم های عسلی را

غارت کردند...

ده سال، بعد نیز در سال ۲۰۰۶ در جریان تجاوز ۳۳ روزه به لبنان به منظور آماده سازی حمله ی آمریکا به ایران و سوریه، و «استقرار دموکراسی از دمشق تا تهران»، نخست وزیر فعلی اسرائیل، باز قتل عامی دیگر را در همان قریه ی معصوم مرتکب شد. این یک البته بر خلاف آن دو نخست وزیر دیگر هنوز به دریافت جایزه ی صلح نوبل، مفتخر نشده است. بعد از نابودی تمام مردم غزه، که تروریست به دنیا می آیند و تروریست زندگی می کنند و تروریست می میرند، مخصوصاً کودکانی که قرار است نسل های آینده ی تروریست ها را تشکیل دهند، شاید با یاری «محمودعباس» آژان آمریکا و غرب به گفته ی رابرت فیسک، و رییس احتمالی «دولت ویشی» از نوع فلسطینی آن به گفته ی جان پیلجر، نخست وزیر فعلی اسرائیل هم بتواند جایزه ی صلح نوبل را از طرف «جامعه ی جهانی» دریافت کند. که گفته اند: «تا سه نشه، بازی نشه».

در ارتباط با آنچه در این قسمت آمد، می توانید به صفحات متعدد «خبر و نظر» سایت ققنوس، و مخصوصاً به لینک های زیر، مراجعه کنید:

http://www.ghoghnoos.org/honar/honarg/honarg01/kabbani_ghana.html

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar03/warschawski-l.html>

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar06/pilger-gaza.html>

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar03/welcome.html>

۲- «طرح دالت» که نام آن از حرف عبری «دالت» معادل «دال» در فارسی و عربی گرفته شده است، طرحی است که در فاصله ی

پاییز ۱۹۴۷ تا بهار ۱۹۴۸ به وسیله ی یک گروه شبه نظامی
یهودی در منطقه ی فلسطین به اجرا در آمد. با هدفِ تصرف
هرچه بیشتر زمین های مردم ساکن فلسطین (مسیحی،
یهودی، مسلمان، و ...) به دولتی که قرار بود بر مبنای اصالت
برتری نژاد و قوم و مذهب یهود در انتگریتت ترین و بنیادگرا ترین
تعریف آن، در دل خاورمیانه تشکیل شود.

۳ - «راه پیمایی مرگ» یا به زبان انگلیسی Death marches در
معنای عام آن، به راندن گروه های انسانی به اسارت در آمده، از
نقطه یی به نقطه ی دیگر، توسط دشمن، با زور و بدون توجه به
وضع و حال آن ها و زنده ماندن یا کشته شدنشان بر اثر مشقت
های راه پیمایی، اطلاق می شود.
در اینجا نویسندگان نامه، به «راه پیمایی مرگ» معروف در جریان
جنگ جهانی دوم نظر دارند که طی آن، نازی ها - که نه عرب
بودند؛ نه عرب تبار بودند؛ و نه فلسطینی بودند؛ و نه فلسطینی
تبار بودند؛ و نه مسلمان بودند؛ و نه مسلمان تبار بودند - در این
سوی جهان، در اروپا، هزاران اسیر را - که اکثریتشان را یهودیان
تشکیل می دادند - از اردوگاه های نزدیک به مرزها، به اردوگاه
های داخل آلمان بردند. با همان شیوه ی رفتار اسرایلیان با
هفتاد هزار فلسطینی، در دل گرمای سوزان تابستان، و در حالی
که حتی آب آشامیدنی را نیز - به نوشته ی نویسندگان یهودی
این نامه - از آنان دریغ می داشتند. تا جایی که صدها تن از آن
بی پناهان، که تنها و تنها جرمشان فلسطینی بودن و فلسطینی
زاده شدن بود، در راه جان باختند. یعنی به قول قاتلانسان تلف
شدند...